

An Analysis of Qur’anic Intertextuality in the *Tamhidat* of Ain al-Quzat Hamedani based on Gérard Genette's Theory

Behzad Oveisi^{a*}, Mostafa Gorji^b, Hassan Soltani Koohbanani^c, Ali Pedram Mirzaei^d

^a PhD Student of Persian language and literature, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University (PNU) Tehran,,
Tehran, Iran

^b Professor of Persian language and literature, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University (PNU) Tehran,
Tehran, Iran

^c Assistant Professor of Persian language and literature, Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran

^d Associate Professor of Persian language and literature, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University (PNU)
Tehran, Tehran, Iran

KEYWORDS

Qur’an, intertextuality,
Tamhidat,
Ain al-Quzat,
Gérard Genette

Received: 02 October 2022;

Accepted: 28 December 2022

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.23452234.1401.10.2.2.3

ABSTRACT

As a contemporary literary theory, intertextuality examines the presence of one text in another one. According to this theory, there is no independent text. Rather, all texts are derived from previous texts or texts of their time. Therefore, authors are not creators of their own works and take all their intellectual themes and beliefs from previous texts. By explaining and classifying intertextuality, Gérard Genette brought it from a purely literary theory into the operational field and textual criticism. Due to the clear influence of sacred scripture on artistic and literary texts, gnostics and mystics have borrowed many of their intellectual sources from the Qur’an as a supertext and a sacred text. Ain al-Quzat has used Qur’anic intertextuality many times in his *Tamhidat*, and many of his intellectual, religious, and even literary sources can be traced and found in the Holy Qur’annThe present study explores the Qur’anic intertextuality in *Tamhidat* of Ain al-Quzat based on Gérard Genette's theory by a descriptive, analytical and comparative method using library sources. The result of this research shows that there is a strong and unbreakable link between the Qur’an and *Tamhidat* in the form of explicit and implicit intertextuality, and the Qur’an has left spiritual and linguistic influences in the mind and language of Ain al-Quzat and his *Tamhidat*. Qur’anic intertextuality exists in explicit and implicit forms in *Tamhidat*, and the findings show that partial adaptation, lexical borrowing, and the implicit intertextuality of illusion prevail over other types. Considering the thinking governing *Tamhidat*, which is a mystical and interpretive book, requires authors to select pre-text in detail and analyze it in their own text in order to represent their desired result from the intertext according to the form and meaning of the Qur’anic ayahs.

* Corresponding author.

The article is taken from the doctoral dissertation of a student

E-mail address: behzadoveisi@student.pnu.ac.ir

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بررسی و تحلیل بینامتنیت قرآنی در تمهیدات عین القضاة همدانی (بر اساس نظریه ژرار ژنت)

بهزاد اویسی^{الف*}، مصطفی گرجی^ب، حسن سلطانی کوهبنانی^ج، علی پدram میرزایی^د

^{الف} دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران
^ب استاد رشته زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران
^ج استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام تهران، ایلام، ایران
^د دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
قرآن، بینامتنیت، تمهیدات، عین القضاة، ژرار ژنت	بینامتنیت از نظریه‌های ادبی معاصر است که به بررسی حضور یک متن در متن دیگر می‌پردازد. براساس این نظریه هیچ متن مستقلی وجود ندارد؛ بلکه تمام متون برگرفته از پیش متن‌ها و یا متون هم عصر خود هستند، لذا نویسنده، خالق اثر خود نیست و تمام بن مایه‌های فکری و اعتقادی خود را از متون پیشین اخذ می‌کند. ژرار ژنت با تبیین و تقسیم بندی بینامتنیت، آن را از یک نظریه صرف ادبی وارد حوزه عملیاتی و نقد متون کرد. با توجه به تاثیر بارز متون مقدس بر متون هنری و ادبی، عرفا و متصوفه بسیاری از مایه‌های فکری خود را از قرآن به عنوان ابرمتن و متن مقدس وام گرفته‌اند. در این میان عارفانی همچون عین القضاة در تمهیدات به کرات از بینامتنیت قرآنی بهره برده اند که بسیاری از سرچشمه‌های فکری و اعتقادی و حتی ادبی او را می‌توان در قرآن کریم رصد و پیدا کرد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌های بینامتنی قرآنی را در تمهیدات عین القضاة می‌کاود. حاصل این بررسی نشان می‌دهد که پیوندی محکم و ناگسستنی به صورت بینامتنیت آشکار و ضمنی بین قرآن و تمهیدات وجود دارد و تأثیرات معنوی و لفظی زیادی در ذهن و زبان عین القضاة و تمهیدات برجای نهاده است. بینامتنیت قرآنی در تمهیدات به صورت‌های صریح (آشکار) و ضمنی وجود دارد. آمارهای استخراج شده نشان می‌دهد که بیشترین استفاده از اقتباس جزئی، واگیری واژگانی و بینامتنی ضمنی تلمیح است. توجه به آمار و تفکر حاکم بر تمهیدات که از نوع کتاب‌های عرفانی و تأویلی است، ایجاب می‌کند نویسنده پیش‌متن را به صورت جزئی انتخاب و در متن خود حل و تحلیل کند تا نتیجه دلخواه خود را از بینامتن با توجه به صورت و معنای آیات قرآنی بازنمایی کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

بینامتنیت^۱ از مباحث مهم ادبی در دوره معاصر است که انقلابی در تفکر و اندیشیدن و نقد ادبی ایجاد کرد. براساس این شیوه ادبی هیچ متن مستقلی وجود ندارد و تمام متون براساس متن‌های پیش از خود آفریده شده اند؛ در واقع متن‌ها از ارتباط کهکشانی متون پیش از خود به وجود آمده‌اند که به صورت آشکار و پنهان به آن‌ها راه می‌یابند. بنابر نظریه بینامتنیت انسان نمی‌تواند از هیچ، چیزی خلق کند؛ بلکه باید تصویری خیالی یا واقعی از متنی وجود

^۱. Intertextuality

داشته باشد تا ماده اولیه ذهن او شود و بتواند آن را به شکل اولیه یا با امتزاج با تصاویر دیگر با ترکیب و شکلی نو ارائه کند. (نامورمطلق، ۱۳۹۴: ۱۲) ژولیا کریستوا^۲ اولین کسی بود که واژه بینامتنیت را به کار برد. او نظریه خود را با تأثیرپذیری از نظریه گفتگومندی^۳ باختین^۴ مطرح کرد. (همان: ۱۰۲-۱۰۳) باختین می‌گوید: «هر سخن (به عمد یا غیرعمد، آگاه یا ناآگاه) با سخنهای پیشین که موضوع مشترکی باهم دارند و با سخن‌های آینده، که به یک معنا پیش‌گویی و واکنش به پیدایش آن‌هاست، گفت و گو می‌کند» (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۳). باختین کلام را اجتماعی می‌داند زیرا پیوسته در کار بازتاب دادن و دگرگون ساختن علایق طبقاتی، نمادی و ملی و گروهی است. (آلن، ۱۳۸۵: ۳۴) کریستوا با تأکید بر سرشت اجتماعی زبان، معتقد به دو ساحت افقی و عمودی زبان است؛ در ساحت افقی، کلام در متن هم متعلق به نویسنده است و هم متعلق به مخاطب و در ساحت عمودی کلام در ارتباط با آثار ادبی پیشین یا همزمان است. (همان: ۶۲ - ۶۳) ارتباط کلام در ساحت افقی و متن با مخاطب و خواننده و دریافت معانی متعدد از متن واحد که منجر به نظریه مرگ مؤلف^۵ از منظر بارت^۶ شد، از دیدگاه و سرشت بینامتنی اثر ادبی همواره خوانندگان را به مناسبات متنی تازه‌ای رهنمون خواهد شد؛ بنابراین مؤلفان را نمی‌توان مسئول معناهای متعددی دانست که خوانندگان می‌توانند از متون ادبی کشف کنند. لذا این موقعیت را به منزله آزادی خوانندگان از قدرت و اقتدار سنتی مؤلف می‌داند؛ مؤلفی که اکنون مرده است. (همان: ۱۴) با توجه به اینکه نظریات نظریه پردازان پیشابینامتنیت و بنیانگذاران نسل اول بیشتر جنبه نظری دارد و خود کریستوا و بارت نیز بر آن تأکید دارند، لذا در حوزه عملی نقد عملاً به کارگیری این نظریات غیر ممکن و بلااستفاده بود. با ظهور ژرار ژنت^۷ تحقیقات و نظریات او جنبه عملی‌تر و ملموس‌تری به خود می‌گیرد. او با ارائه نظریه ترامتنیت^۸، قدمی مهم در عملی کردن نظریات پیشین در حوزه روابط بینامتنی برمی‌دارد. ترامتنیت راستی آزمایی عملی چگونگی ارتباط یک متن با دیگر متن‌هاست. ژنت این روابط را به پنج دسته بزرگ؛ یعنی بینامتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت و بیش‌متنیت تقسیم می‌کند. هر کدام از این انواع، تقسیمات دیگری را در بر دارد. فرامتنی بر اساس روابط تفسیری و تأویلی بنا شده است. بیش‌متنیت تأثیر کلی و الهام بخش براساس برگرفتنی و تأثیر یک متن در متن دیگر است. پیرامتنیت به شبه‌متنهایی که پیرامون متن اصلی است، می‌پردازد که متن اصلی و مرکزی را در بر می‌گیرد. سرمتنیت به رابطه متن حاضر از نظر نوع و گونه نشأت گرفته، با متن غائب، اشاره دارد. بینامتنیت نیز یکی از گونه‌های پنجگانه ترامتنیت ژنت است که شامل رابطه هم‌حضور میان دو یا چندین متن می‌شود؛ یعنی اغلب با حضور واقعی یک متن در متن دیگر همراه است. (نامورمطلق، ۱۳۹۴: ۳۵۶) نظریه بینامتنیت هرچند موضوعی تازه و نو به نظر می‌رسد؛ اما این موضوع در ادبیات فارسی و عربی بدون سابقه نیست. ارتباط بین متن‌ها و ارجاعات بینامتنی از جمله در مطالعات نقد ادبی و زبانی با نام‌ها و عناوین و مفاهیم متفاوت وجود داشته است از جمله: تلمیح، شأن نزول، مقام، مقال، انتحال و نیز تأثیر احادیث اخبار و روایات، نصرانیات و اسرائیلیات در تفسیر قرآن و غیره. (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۳)

^۲ . Julia Kristeva

^۳ . dialogism

^۴ . Mikhail Mikhailovich Bakhtin

^۵ . Death of the author

^۶ . Roland Barthes

^۷ . Gérard Genette

^۸ . Transtextualite

با توجه به جایگاه و اهمیت ویژه قرآن کریم از منظر مسائل اعتقادی، اخلاقی، عبادی و حتی زیباشناسی و ادبی در بین مسلمانان و نویسندگان، استفاده از آیات و مفاهیم و نکات این کتاب بزرگ همواره از شاخصه‌های متون دوره اسلامی است. نویسندگان بنا به ضرورت متن خود، به استفاده از نکات و آیات این کتاب آمده از عالم بالا، مبادرت می‌کردند. گاه برای اعتبار بخشیدن به اندیشه و افکار خود و گاه برای الگو قرار دادن اسلوب زبانی و زیباشناسی موجود در آن. در این بین عارفان و صوفیان نویسنده بنا به ضرورت متون خود به دلایلی چند، سخن خود را متصل به این دریای ژرف معانی و بیان می‌کردند. اول بنابر تأویلات و تفاسیری که با ذوق عرفانی همخوان بود و گاه از دایره شریعت به طریقت می‌رسید و دستاویزی برای تکفیر آنان بود؛ به ضرورت سخن خود را برای تأکید و تأیید زبانی به قرآن مستند می‌کردند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۹۲۳) با توجه به ذات غنی قرآن از نظر اعتقادی و حتی زبانی و زیباشناسی، سخن خود را متصل به این منبع لایزال می‌کردند تا از تأثیرات آن، کلام خود را غنای بیشتری بخشند.

یکی از آثار عرفانی که به زیبایی و گونه‌های گوناگون از آیات قرآن بهره برده است؛ تمهیدات عین‌القضات است. برای شناخت شیوه‌های ظریف و هنرمندانه عین‌القضات در استفاده از آیات قرآن در متن تمهیدات، از روش پژوهشی توصیفی - تحلیلی منطبق بر بررسی روابط بینامتنی این دو متن با تأکید بر نظریه ژنت استفاده می‌شود.

فرضیات تحقیق:

۱. به نظر می‌رسد عین‌القضات برای تزئین کلام و اظهار فضل به قرآن استناد کرده است.
۲. عین‌القضات همدانی از بینامتنیت‌های اقتباس جزئی و وامگیری واژگانی بیشترین بهره را برده است.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص نظریه بینامتنیت کتاب‌ها، پژوهش‌ها، پایان نامه‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است که از جمله می‌توان به تألیف کتاب‌های بینامتنیت: گراهام آلن، ترجمه پیام یزدانجو، کتاب ساختار و تأویل متن، بابک احمدی (۱۳۹۱) که درباره نظریه‌های مربوط به تکامل تاریخی روش ساختاری متون ادبی است و به مسائل زبان‌شناسی و ساختارگرایان و نیز به مباحث هرمنوتیک می‌پردازد. درآمدی بر بینامتنیت؛ نظریه‌ها و کاربردها: بهمن نامور مطلق (۱۳۹۴) و مقالاتی از همین نویسنده با عناوین: «مطالعات ارجاعات درون متنی در مثنوی با رویکرد بینامتنی» و «ترامتنیت؛ مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» (۱۳۸۶)، درباره تأثیر قرآن در متون ادب فارسی هم پژوهش‌های فراوانی انجام شده است که می‌توان به جدیدترین آن‌ها اشاره کرد. کتاب تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، علی اصغر حلبی، (۱۳۷۴)، پرتوهای از قرآن و حدیث در ادب فارسی، محمدرضا راشد محصل، (۱۳۸۰)، تفسیر قرآن و زبان عرفانی، پل نوپا، ترجمه: اسماعیل سعادت، (۱۳۷۳)، تجلی قرآن و حدیث در شعر پارسی، سید محمد راستگو، از جمله آن‌هاست. درباره تأثیر قرآن و حدیث در آثار نویسندگان و شاعران مختلف، تحقیقات بی‌شماری انجام شده است که این مقال مجال ذکر آن‌ها را نمی‌دهد. در زمینه استفاده از نظریه بینامتنیت ژنت در آثار ادبی و عرفانی هم تحقیقات زیادی انجام شده است که به صورت بسیار فشرده به تعداد معدودی اشاره می‌شود. مقاله تجلی آیات الهی در اشعار سنایی براساس بینامتنیت ژرارژنت، احمد یلمه‌ها و مسلم رجبی، (۱۳۹۶)، تحلیل روابط بینامتنی قرآن و غزل‌های صائب براساس نظریه ژنت، جلال عباسی و محمد آهی، (۱۳۹۷)، بینامتنیت قرآنی در طرب المجالس بر اساس نظریه

ژرارژنت، الهام نوربخش، مریم محمودی، پریسا داوری، (۱۳۹۸)، بینامتنیت قرآنی در مصنفات بابا افضل کاشانی بر اساس نظریه ژرارژنت، مسروره مختاری، مهسا کاظم‌پور (۱۳۹۸). با این توجه باید گفت درباره بینامتنیت قرآنی در تمهیدات با تأکید بر نظریه ژرار ژنت تحقیقی انجام نشده است.

۳. عین القضاة و تمهیدات

ابوالعالی عبدالله بن ابی بکر محمد بن علی بن حسن بن علی میانجی معروف به عین القضاة در سال ۴۹۲ در همدان به دنیا آمد. اصالت او از آذربایجان است. پدر بزرگ او به همدان مهاجرت کرد و در آنجا مقام قضاوت یافت و از این طریق این حرفه به عین القضاة رسید. علوم معمول روزگار خود را اعم از: ریاضی، منطق، فقه، حدیث، عروض و ادبیات (فارسی و عربی) را آموخت و مخصوصاً در علم کلام تبحری خاص پیدا کرد. او در مجالس صوفیان همراه پدر شرکت می‌کرد که در این بین مرید شیخی صوفی، موسوم به «برکه» شد. (لویزان، ۱۳۸۴: ۳۸۰-۳۸۱) برکه یک صوفی «امی» بود که عین القضاة در آثار خود او را استاد خود دانسته و به عظمت از او یاد کرد. ارادتی عمیق به او اظهار کرده و او را عالم و مفسر و عارف بزرگ خوانده است. (پورجوادی، ۱۳۸۴: ۵۲) از دیگر استادان عین القضاة می‌توان از شیخ «فتحه» و شخصی به نام «باباطاهر»، عارف بزرگ «احمد» و برادرش فیلسوف و عارف نامدار «محمد غزالی» و همچنین «حلاج» نام برد. نبوغ عین القضاة خیلی زود آشکار شد. در بیست سالگی آغاز به نوشتن کرد و در مدتی کوتاه آثار متعددی تألیف کرد. او متفکری است که در فضای قرآن تنفس کرد و از خوان وحی محمدی قوت می‌خورد. او با عادت پرستی به ستیزه برخاست و با قبول بیچون و چرای آراء دیگران مخالفت کرد. سرشت آتشین و طبع سرکش، او را به خروج از قیاس‌های مرده کلام ترغیب می‌کند و آرمان او حلاج شهید صوفیه می‌شود. ندای «انا الحق» او را دوباره زنده ساخت و دویست سال پس از مرگ حلاج، فاجعه او را با تمام جزئیاتش تکرار کرد. (برتلس، ۱۳۸۲: ۴۲۵) از این روح شوریده و عاشق، آثار متعددی در عرصه وجود آمد. رساله لویح، زبده الحقایق، نامه‌ها، شکوی الغریب عن الاوطان الی علما البلدان، رساله یزدان شناخت و تمهیدات.

تمهیدات یک انشاء شوراننده شدیدی است که از آغاز تا پایان در لحن گفتگویی صمیمانه با خواننده است. (همان: ۴۲۱) این کتاب گرانسنگ، شرح شوریدگی و بیقراری وجودی است که به دنبال سرچشمه آرامش و «تطمئن القلوب» در عالم بی‌خویشی است. این شوریدگی روحی و ذهنی در زبانش نیز جاری بود. زبان خویش را متصل به همین عالم بی‌خویشی و نوشته‌ها و گفته‌هایش را آن سری می‌دانست: «هرچه در مکتوبات و امالی این بیچاره خوانی و شنوی از زبان من نشنیده باشی از دل من شنیده باشی، از روح مصطفی صلی الله شنیده باشی، از خدا شنیده باشی» (تمهیدات: ۱۷ و ۱۸). در همین عالم است که «دل قائل است و زبان مستمع» (تمهیدات: ۱۶) و مصدر تمام کلمات دل است. (مجتبی، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۲۱۰)

این کتاب معرفت و شور و عرفان در ده تمهید به نگارش درآمده است که طولانی‌ترین و پخته‌ترین تصنیف او در الهیات عرفانی است. سبک نثر این کتاب که حدود نهمصد سال پیش نوشته شده است، ساده و قابل فهم و عاری از تصنع و تکلفهای عمدی است؛ اما به علت شمار زیاد اشاره به قرآن و حدیث و طبع و خلق عموماً و جدی مؤلف، زبان کتاب اغلب فشرده و سنگین و فهمش دشوار است. (لویزان، ۱۳۸۴: ۳۸۶) این پیچیدگی و دشواری ناشی از آمیزش الهامات شاعرانه با ژرفای فلسفی و اطلاعات پر طول و تفصیل کلام و تأویل‌های عارفانه غنی است. (همان: ۳۸۸)

کتاب تمهیدات حاصل دوران پختگی و ثبات فکری عین‌القضات است که نه از دوران عسرت و رنج وی در زندان و شکنجه نشأت گرفته است و نه حاصل دوران آغازین اندیشه وی که در آن راه‌گریز از تقلید و تردید نیست و معذورات مقام تعلیم و تنگی فهم مخاطب و اجبار تقیه و پایین آوردن سطح کلام را ندارد. این کتاب بیش از همه آثارش بیانگر اندیشه‌ها و احوال اوست و به حدی طی قرون متمادی رشد داشته است که امروزه بیشتر کتابخانه‌های معتبر دنیا، نسخه‌ای خطی از آن را در خود دارند. تمهیدات حاصل توسن خیال و اندیشه این جوانان شوریده حال راه یافته به عالم معنی است که دریا دریا معنا را در قالب الفاظ می‌ریزد و ابتدا خود و سپس مخاطب را غرق در شور و بهجتی فراوان می‌کند. در تمهیدات سخن عشق بر صدر می‌نشیند و همه چیز از توحید و ولایت و نبوت و حتی بحث ابلیس از این منظر نگریسته می‌شود. او در این اثر مطالب پیچیده و مشکل‌عرفانی را با زبانی ساده و تازه و با مثال‌هایی روشن‌گر و با اشعاری نغز در هم می‌آمیزد و قرآن و برهان را در کنار عرفان می‌نشانند. این اثر در ده تمهید به رشته تحریر درآمده است.

۱. در تمهید نخست به تمایز میان علم مکتسب و علم لدنی پرداخته است. ۲. در تمهید دوم به تشریح و تبیین شرط‌های سالک راه خدا می‌پردازد. ۳. تمهید سوم در شرح فطرت سه گانه آدمیان است. ۴. تمهید چهارم به یکی از مهمترین توصیه‌های ادیان الهی و عرفان اسلامی؛ یعنی خودشناسی و ارتباط آن با خداشناسی می‌پردازد. ۵. تمهید پنجم به تشریح و توضیح ارکان پنجگانه اسلام (شهادت و تصدیق ایمانی، نماز، زکات، روزه و حج) اختصاص دارد. ۶. تمهید ششم درباره عشق و حالات آن است. ۷. در تمهید هفتم حقیقت روح و دل را می‌کاود. ۸. تمهید هشتم بحث از اسرار قرآن کریم و حکمت خلقت انسان است. ۹. تمهید نهم درباره حقیقت ایمان و کفر است. ۱۰. تمهید دهم عمدتاً به نگرش او در باب ابلیس اختصاص دارد (ر.ک: رحمتی، ۱۳۸۹: ۲۶-۳۴)

۴. بررسی رابطه بینامتنی تمهیدات با قرآن

۱۰۴. برزخ زبانی عین‌القضات در تمهیدات

از آنجا که در جهان بینی عارفانه و صوفیانه، مقصد نهایی از خلقت و حیات، رسیدن به سرچشمه حیات و شور و زندگی و آگاهی محض؛ یعنی خداوند است و آنچه بزرگ‌ترین مانع این راه شمرده شده است، همانا وجود غیرحقیقی انسان است؛ بنابراین غایت نهایت سیر سالک، استهلاک وجود غیرحقیقی خود در وجود خداوند است؛ لذا در نظرگاه عین‌القضات نیز بدون فنای «خود»، شور و شعور و بیداری [واقعی و] معنوی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ بنابراین باید گفت که فرآیند بالا بردن شعور و بیداری معنوی، موکول به نفی خودی خود است. (لویزان، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۹۴) عارف فانی و واصل به حق، خود سفیری است که سری در آسمان‌ها و پایی در زمین دارد. این اتصال دوگانه علوی و خاکی، زبانی برزخی در عارف به وجود آورده است که هم نشانه‌های عالم بالا را در خود دارد و هم باید به عنوان رسول، زبان خود را در حد مردم و سالکان مبتدی پایین بیاورد که بتواند ناقل آن شور و حرارت و آگاهی باشد؛ لذا زبان عارف و صوفی در یک جزر و مد دائمی و هروله در عالم سفی و اعلا است که این حالت تنگناهایی برای او ایجاد می‌کند. عین‌القضات خود در این باره می‌گوید: «از دو عالم گذر می‌باید کردن، آنگاه این کلمات باشد که عدّ و بیان توان کرد. از دو عالم ملکوتی و جبروتی بیش از این به عالم تو نتوانم آوردن. دریغا چه دانی که در این تمهید چند هزار مقام‌های مختلف واپس گذاشتیم و از هر عالمی زبده‌ای در کسوت رموز با عالم کتابت آوردیم! پدید باشد که از آن عالم با این عالم چه

توان آوردن؛ جرعه‌ای از کاسه» (تمهیدات: ۴۰۶). کلمه در نگاه عین القضاة خود او و در واقع من برتر اوست که از مرز هوشیاری‌های متعارف گذشته و نامحدود گشته است. (مجتبی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۰۱۴) این زبان فرارفته و نامحدود قطعاً مملو از مفاهیم، اشارات و نکات کتاب آسمانی قرآن است که او نیز از عالم اعلی به عالم انسانی هبوط کرده است. لذا اگر نیک به تمهیدات عین القضاة نگریسته شود علاوه بر بینامتنیت‌های آشکار و مصرح قرآنی، مملو از مفاهیم و اشارات قرآنی است تا جایی که سبک تمهیدات را «سبک فشرده قرآنی» می‌خوانند. (لویزان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۹۱)

تأثرات و شدت قرابت عین القضاة از قرآن در تمهیدات تا بدان حد است که یک تمهید (فصل) از این کتاب را به قرآن و اسرار آن اختصاص داده است. این شدت وابستگی تا مرز محوشدگی پیش می‌رود و باعث می‌گردد که وی با وضوح و قدرت تمام نظریه‌ای را که از «فنا در قرآن» به آن رسیده شرح دهد: «دریغ از قرآن جز حروف سیاه و سپیدی کاغذ نمی‌بینیم؛ چون در وجود باشی، جز سواد و بیاض نتوانی دیدن؛ چون از وجود بدر آمدی، کلام الله تورا در وجود خود محو کند» (تمهیدات: ۲۲۹) (همان: ۳۹۶) وجود عین القضاة آنقدر در این کتاب آسمانی محو و آنقدر در الهام بخشیدن به اندیشه‌های او نقش اساسی ایفا می‌کند که به فکر و ذهن او اغلب در این کتاب مقدس، که گاه حتی تا پنج بار در یک جمله واحد از آن نقل می‌کند، یکسره غوطه ور می‌شود» (همان: ۳۹۸) روح و زبانی که در عالم اعلی و در کتاب مقدس قرآن محو است برای انتقال تجارب روحانی و علوی خود ناچار است که این بارهای امانت را به این عالم و جهان سالکان مبتدی هبوط دهد. در این اثنا آنچه به زبان صوفی و عارفان واصل کمک می‌کند که این مهم را انجام دهد، استفاده از ترکیبات، عبارات، کلمات، آرایه‌های ادبی، تشبیه، استعاره، کنایه، رمز، تلمیح و خلاصه زبان ادبی است تا بتواند با این وسایل و امکانات، مفاهیم انتزاعی خود را تبیین کند و ارتباطی موفق میان موقعیت درونی و ذهنی خود با جهان خارج ایجاد کند. در این رفت و برگشت زبانی گاه می‌بینیم که زبان صوفی ناچار از ترکیبات پارادوکسی است که مشخصه زبان‌های برزخی است که سری در آسمان و پایی در زمین دارند. این چنین است که آن‌ها حیات را در مرگ، غنی را در فقر، هوشیاری را در غفلت و ... می‌بینند.

۲.۴. بینامتنیت ژنت

در این کتاب (تمهیدات) که مملو از بینامتن کتاب مقدس قرآن است به بررسی رابطه بینامتنی این دو اثر از دیدگاه ژنت پرداخته می‌شود. نظریه بینامتنیت در ابتدا بیشتر مبتنی بر نظریاتی کلی بود که پیش از اینکه این نظریه به عنوان یک روش نقد در ادبیات به کار رود آن را وسیله‌ای برای تبیین ادبیات و بوطیقای ادبی می‌شناختند؛ زیرا بیان کلی ارتباط بینامتنی و اینکه هر متنی دارای بینامتنیت است، در نقد چندان به کار نمی‌آمد (نامورمطلق، ۱۳۸۴، ۱۳۸ و ۱۴۶) لذا امکان کاربردی کردنش میسر نشد. تبدیل بینامتنیت از یک نظریه صرف به روشی برای تحلیل متن، پس از کریستوا و بارت اتفاق افتاد. این امر نخست به طور جدی توسط لوران ژنی^۹ آغاز شد ژنی محقق سوئیسی در زمره مهمترین شخصیت‌های نسل دوم نظریه‌پردازان بینامتنیت است. جایگاه ژنی در میان این نظریه‌پردازان یک جایگاه برجسته است و تأثیراتی مهم و اساسی بر این حوزه مطالعاتی گذاشت. او با نوآوری‌های خود بینامتنیت را از یک نظریه صرف به سوی شیوه یک روش تحلیلی و مطالعاتی کاربردی آثار ادبی و هنری سوق داد و تقسیم‌بندی‌های نوینی همچون بینامتنیت ضعیف، موضوع منابع و ارتباط نظام‌مند و علمی کلاژ با بینامتنیت را انجام داد. او بینامتنیت را به

^۹ . Laurent Jenny

حوزه هنر کشانید و بینامتنیت هنر را مطرح کرد. در مطالعات او همواره یک همراهی میان هنر و ادبیات مشاهده می‌شود و این دو به صورت موازی مورد بررسی قرار می‌گیرند. (رک. نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۲۰۷) پس از او ریفاتر و ژنت به صورت گسترده‌تر آن را مطرح کردند. میخائیل ریفاتر ۱۰ (۱۹۲۴-۲۰۰۲) در ایالات متحده به دنیا آمد. از نسل دومی‌های بینامتنیت به حساب می‌آید و آن‌چنان جایگاهی دارد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌های محققان و تاریخ نویسان را به خود اختصاص داده است. او با ارائه نظریات جدیدی در بینامتنیت از جمله ارجاع فرامتنی و بینامتنی جایگاه ویژه‌ای دارد. از نظر او ارجاع فرا متن ارجاعی است که به جامعه و واقعیت برونی داده می‌شود و خواننده یا مخاطب می‌کوشد به واسطه جهان بیرونی و عینی به خوانش متن پردازد. این نوع ارجاع بیشتر در متن دیده می‌شود. اما در ارجاع بینامتنی خوانش متن به واسطه جهان متن و روابط بینامتنی صورت می‌گیرد که بیشتر در شعر دیده می‌شود. تفاوت بین بینامتنیت و بینامتن از دیگر نظریات ریفاتر است. از منظر او بینامتنیت عامل اساسی و فراگیر در پدیده ادبی است و قابل تقلیل به خود اثر هنری کلامی نیست. اما بینامتن با توجه به خواننده دگرگون می‌شود و جنبه شخصی و فردی می‌یابد؛ یعنی براساس اوضاع فرهنگی و شخصی خود خوانش‌های گوناگونی از یک متن واحد دارند. لذا بینامتن یک شبکه متن در هنگام خوانش اشخاص است که با گذر زمان تغییر می‌کند. (رک: همان: ۲۰۹-۲۵۰) ژرار ژنت ۱۱ (۱۹۳۰-۲۰۱۸) نشانه‌شناس و نظریه‌پرداز ادبی فرانسوی است. او از چهره‌های برجسته در حوزه مطالعات ادبی برای بسط نظریه‌های ساختارگرایانه فردینان دو سوسور در زبان‌شناسی است. از نگاه ژنت آثار ادبی به منزله کلیاتی اصیل، یکتا و یگانه نیست بلکه گزینش‌ها و آمیزش‌های خاصی از یک نظام است که دارای محدوده و حدود مشخصی است. او معتقد است که مؤلف و منتقد هر دو خرده کار هستند. مؤلف عناصر ساختار و نظام بسته ادبی را اخذ می‌کند و آن‌ها را در اثر خود به نحوی که نشانگر رابطه خود با آن نظام نباشد، منتظم می‌کند، در حالی که منتقد اثر را اخذ کرده و آن را به نظام ادبی مخصوص خود ارجاع می‌دهد؛ یعنی رابطه بین اثر و نظام را که مؤلف کتمان می‌کند به وسیله نقاد روشن می‌شود. (یزدانجو، ۱۳۸۵: ۱۴۱) ژنت به صراحت در جستجوی روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری است. (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۵) ترامنتیتی ژنت امروزه از نوین‌ترین و رایج‌ترین رویکردهای مطالعاتی در ادبیات و هنر محسوب می‌شود. (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۸۳) او در این رابطه نظریه جامع خود را که به همه ابعاد بینامتنیت در مفهوم کلی آن می‌پردازد، ارائه می‌دهد و آن را «ترامنتیتی» می‌نامد.

بینامتنیت یکی از پنج بخش ترامنتیت است که به رابطه میان دو متن براساس هم حضوری می‌پردازد. بینامتنیت خود به سه دسته بزرگ تقسیم می‌شود:

الف) صریح و لفظی: حضور آشکار و آگاهانه یک متن در متن دیگر است؛ یعنی مؤلف نمی‌خواهد مرجع متن خود را پنهان کند. این نوع از بینامتنیت دو نوع دارد: ۱. نقل قول با ارجاع ۲. نقل قول بی ارجاع.

ب) غیر صریح و پنهان شده: حضور یک متن در متن دیگر که مؤلف تلاش دارد مرجع بینامتنی خود را پنهان کند. این پنهان کاری به دلیل ضرورت ادبی نیست؛ بلکه دلایل فرا ادبی دارد. سرقت ادبی یکی از مهمترین انواع بینامتنیت غیر صریح است.

¹⁰ . Michael Riffaterre

¹¹ . Gérard Genette

ج) بینامتنیت ضمنی: این نوع از بینامتنیت غیر صریح است؛ اما مؤلف متن دوم قصد پنهان کاری ندارد؛ لذا نشانه‌هایی برای تشخیص متن اول به دست می‌دهد. مهمترین انواع این نوع بینامتن، کنایات، اشارات و تلمیحات است. با توجه به این که تمهیدات و قرآن از حیثه‌های فرهنگی متفاوتی برخوردارند، لذا پیوند بینامتنی آن‌ها بینافرهنگی هم به حساب می‌آید. (همان: ۸۷-۸۹)

۱.۲.۴. بینامتنیت صریح و لفظی (آشکار)

در این نوع بینامتنیت مؤلف تمام یا بخشی از پیش‌متن را در متن خود می‌گنجاند. در بلاغت اسلامی این گونه از رابطه بینامتنی را با عنوان تضمین و گونه‌های فرعی آن تعریف کرده‌اند. تضمین خود به انواع مختلفی تقسیم شده است. اگر تضمین را محدود به شعر نکنیم می‌توان گفت که در بلاغت اسلامی به بینامتنیت بسیار توجه شده است. چنانچه تضمین را گنجاندن کلام دیگری اعم از آیه، حدیث، شعر، مثل و ... میان سخن خویش تعریف کنیم، می‌توان انواع آن را به صورت مشخص مدون کرد. در این تحقیق برای کاربردی‌تر و ملموس‌تر شدن نحوه بینامتنی تمهیدات از قرآن کریم، چهار چوبی تلفیقی از نظریه ژانت و بلاغت اسلامی ارائه شده است.

در تمهیدات از همه انواع بینامتن صریح و لفظی مانند اقتباس گزاره‌ای؛ اقتباس کامل و جزئی و حل و پاشان، اقتباس واژگانی؛ وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی استفاده شده است. برآیند این تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین حضور بینامتن قرآن در تمهیدات به اقتباس جزئی و وام‌گیری واژگانی اختصاص دارد.

حل شدن یک متن کوتاه در متن دیگر براحتی صورت نمی‌پذیرد زیرا متن کوتاه فاقد معنا و مفهوم مستقل است که این مسئله همنشینی آن در محور افقی و عمودی کلام را سخت می‌کند؛ اما این ویژگی را دارد که مؤلف دوم بتواند با مهارت و ذکاوت و توانایی خود متن کوتاه یا واژگان متن اول را بهتر و دلخواه‌تر در راستای هدف نهایی و تبیین و تشریح ایده خود در متن بگنجاند. عین القضاة برای رسیدن به این هدف، راه سخت‌تر را انتخاب کرده و بیشتر از اقتباس جزئی و وام‌گیری واژگانی در بینامتن خود استفاده کرده است تا بتواند با ذهن وقاد و حافظه قوی و تداعی شگرف خود پیش‌متن را در متن خود و در راستای افکار و جهان‌بینی خود با هنرمندی تمام در لابه‌لای جملات و کلمات خود حل کند و جملاتی نو با معنایی نو بیافریند. این گونه استفاده از بینامتن مهارت، زحمت، ذکاوت و تسلط بیشتر مؤلف را می‌طلبد؛ زیرا باید معانی ناقص را در راستای مجموعه متن خود به کار گیرد و یک قطعه ناقص از پیش‌متن را که به آن نیاز دارد از متن اصلی جدا و در متن خود قرار دهد. عین القضاة که از یک سو ذهن و ضمیرش سرشار از قرآن و حدیث بود و جان و روحش پرورده و پرداخته بدان‌ها و از سوی دیگر حافظه‌اش بس ژرف بود و از دیگر سوی شور و شیدایی، عشق و جنون، شیفتگی و دلبردگی، چنان بر جان او پنجه افکنده بود که سخن و متونش بیشتر در حالت بیخودی و بی‌خویشی از او صادر می‌شد: «کافر من اگر من می‌دانم که چه می‌گویم» (تمهیدات: ۳۲۷) و یا «سودا مرا چنین بیخود و شیفته می‌گرداند که نمی‌دانم که چه می‌گویم» (همان: ۳۰۶). آنگاه که لب به سخن می‌گشود تداعی شگرف او آیه‌ها و حدیث‌های فراوانی را که در ژرفای ذهن و ضمیرش موج می‌زد، از زبان او فرو می‌ریخت. این امواج توفنده نمی‌توانست در برکه‌های کوچک جملات جای گیرد، لذا بارها خود از این تنگنا شکایت کرده است: «در عالم حروف بیش از این در عبارت نتواند آوردن» (همان: ۴۷۰) و یا «پدیدار باشد که از آن عالم با این عالم چه توان آوردن؛ جرعه‌ای از کاسه» (همان- ۴۰۶). ناگفته پیداست که امواجی چنان خروشان در کانال تنگ کلمات جایگیر نمی‌شوند و

در چنین تنگنایی است که عین القضاة ناگزیر به مدد آیات و احادیث می‌شود. لذا در این مددگیری ناگزیر به اقتباس جزئی و جداسازی قطعاتی می‌شود که در تکمیل معانی و برداشت‌های گزینشی به او کمک کند و آن چنان جملات و آیات را به هم می‌آمیزد و پیوند ایجاد می‌کند که جدا کردن آن‌ها باعث درهم ریختگی نظام سخن و بی‌معنی شدن آن می‌شود. این آیات در جایگاه‌های مختلف جمله و در نقش‌های متفاوت قرار می‌گیرند و جزئی از جمله فارسی می‌شوند که در اکثر اوقات بدون فهم آیه فهم و درک جمله ناممکن می‌شود. براساس تلفیق بینامتنیت و بلاغت اسلامی عناوین زیر در ادامه به ترتیب از تمهیدات احصاء و ارائه شده است؛ بینامتنیت اقتباسی که شامل بینامتنیت واژگانی و بینامتنیت گزاره‌ای می‌شود.

۴.۲.۱.۱. بینامتنیت گزاره‌ای

* اقتباس جزئی

از بین بینامتنیت گزاره‌ای، اقتباس جزئی بیشترین تعداد را در کتاب تمهیدات به خود اختصاص داده است. در این نوع از بینامتنیت، جزئی از آیه، جزئی از جمله فارسی می‌شود و فهمیدن معنای جمله فارسی منوط به فهمیدن آیه است؛ که با اهداف مختلفی به کار گرفته می‌شود:

«ای عزیز چون خواهند که مرد را به خود راه دهند و به خودش بی‌نا گردانند، دیده یابد. وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا این باشد» (تمهیدات / ۳۵۴). ترجمه: و اگر اطاعتش کنید، هدایت می‌یابید (نور / ۵۴) در اینجا آیه نقش تأیید معنای جمله فارسی را دارد که در جایگاه مستندالیه جمله قرار گرفته است.

در بند ۴۶ در تمهید دوم در مورد آداب سلوک و گوش دادن به پیر؛ «و آنچه به مرید تعلق دارد آن باشد که جز پیر به کس راز نگوید و زیادت و نقصان نگذارد... پس یعقوب گفت: قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ» (یوسف / ۵) ترجمه: ای فرزند عزیز، خوابت را برای برادران بازگو نکن.

قسمت اول آیه ۵ سوره یوسف را اقتباس کرده است و آن را در جهت تبیین نظر خود که پیروی بی‌چون و چرای سالک از پیر است، به کار گرفته است. نکته‌ای که در این اقتباس هست این است که سخن پیر بر سخن نزدیکترین افراد؛ یعنی برادران ارجحیت دارد و گوشزد می‌کند که باید سالک دستور او را بی‌کم و کاست حتی در مورد نزدیکترین اشخاص به خود، اجرا کند. در این جا آیه در جایگاه مفعول قرار گرفته است و برای توضیح و تشریح آمده است و آن چنان در تار و پود جمله حل شده که فهمیدن جمله منوط به فهمیدن آیه است.

در بند ۵۵ در تمهید سوم درباره فطرت سه گانه آدمیان آمده است:

«اگر پند دهی ایشان را و اگر ندهی که اهلیت نیابند و اهل ایمان و حقیقت نشوند که سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» ترجمه آیه: برای آن‌ها یکسان است که هشدارشان دهید یا هشدارشان ندهی، آن‌ها ایمان نخواهند آورد. بقره / ۶

«زیرا که پرده‌ای از غفلت و جهل بر دیده دل ایشان فروهسته است؛ چه بیند که وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ

يَفْقَهُوهُ» ترجمه آیه: ما بر دل‌هایشان پرده‌هایی قرار داده‌ایم تا آن را نفهمند. انعام / ۲۵ و اسراء / ۴۶

آیات اقتباسی فوق پس از حرف ربط «که» قرار گرفته‌اند که برای تبیین و تشریح یا تکمیل معنای جملات قبل از

خود استفاده شده‌اند.

قرار گرفتن آیات بعد از حروف ربط که به یک شیوه سبکی در تمامی تمهیدات تبدیل شده است به کرات در متن تکرار شده است.

در بند ۱۵ و ضرورت اطاعت از پیر؛ «آن‌ها که ترک علاج و طبیب [پیر] کرده‌اند، خود آن بهتر باشد که در علت فرو شوند زیرا که وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ» ترجمه: و اگر خداوند خیری در آنان می‌دانست شنوایشان می‌ساخت. انفال/۲۳

همان‌گونه که می‌بینیم آیه، ادامه جمله فارسی است و با ترجمه آیه معنای جمله فارسی کامل می‌شود. بند ۱۶ در شرح نصرت خداوند در شناخت خود و رفع حجاب بشریت؛ «سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ پدید آید» ترجمه: ما در آینده نزدیک آیات خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنان نشان خواهیم داد. فصلت/۵۳ آیه در اینجا در نقش نهاد جمله قرار گرفته است و کل معنای جمله در این قطعه اقتباس شده قرار دارد. تمهید اول: فرق علم مکتسب و علم لدنی بند ۲ در بصیرت و شناخت پیامبر «ای عزیز می‌گویم مگر این آیت در قرآن نخوانده‌ای و یا نشنیده‌ای که قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ محمد را نور می‌خواند»

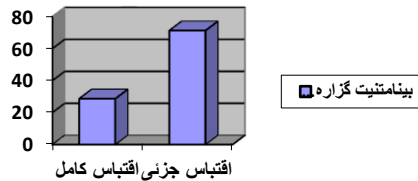
ترجمه: قطعاً از سوی خداوند، نور و کتاب آشکار برایتان آمده است. مائده/۱۵ در اینجا آیه نقش جمله معترضه را دارد که با حذف آن صدمه‌ای به معنای جمله نمی‌زند؛ اما عین القضاة برای تأکید و تأیید مفهوم و معنای جمله خود، آن را به آیات قرآن مستند می‌کند. این بینامتنیت صریح و آشکار، از نوع نقل قول باارجاع می‌باشد؛ زیرا قبل از استفاده از آیه، منبع آن را اعلام می‌کند و اشاره می‌کند که آیه مورد استفاده از قرآن است.

* اقتباس کامل

«و نباتٍ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا حَاصِلٌ شَوْد» ترجمه: و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویاند. نوح/۱۷ همان‌گونه که می‌بینیم آیه در جایگاه مضاف الیه در جمله جای گرفته است و به شکل بسیار ماهرانه به ساختار جمله فارسی راه یافته و پیوند خورده است و آیه را در جهت تبیین معنای جمله به کار گرفته است.

نکته‌ای که بسیار ظریف و قابل تأمل و تدبر است اینکه در اکثر اقتباس‌های کامل هم آیات کوتاه و گاه ناقص‌المعانی را انتخاب می‌کند که ذاتاً در زمره اقتباس جزئی و ظاهراً در ردیف اقتباس کامل قرار می‌گیرند. اینجاست که آن روح استخدام آیات در جهت خلق معنی مورد نظر و پسند خود، در کل بینامتن تمهیدات حفظ می‌شود و با وجود تغییر در ظاهر وام‌گیری در روح آن انقطاعی صورت نمی‌گیرد.

همان‌گونه که در نمودار زیر نیز عیان است، استفاده از اقتباس جزئی با اختلاف زیاد بسامد بالایی در متن تمهیدات دارد. از تعداد ۸۳۶ آیه‌ای که در تمهیدات استفاده شده است؛ ۵۹۶ آیه؛ یعنی ۷۱/۲۹٪ درصد اقتباس جزئی و ۲۴۰ آیه برابر با ۲۸/۷۰٪ درصد به صورت اقتباس کامل به کار رفته است.



۲.۱.۲.۴. بینامتنیت واژگانی

* وام‌گیری

در این شیوه واژه یا ترکیبی از قرآن با همان ساختار عربی و بدون تغییر و دگرگونی در متن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در متن تمهیدات بیشترین بینامتنیت واژگانی به وام‌گیری اختصاص دارد. این موضوع نشان‌دهنده این است که عین القضاة پیش‌متن را در راستای متن خود؛ یعنی تمهیدات که متنی عرفانی و تأویلی است و برای آموزش و تعلیم صوفیان و طالبان طریق طریقت نوشته شده به کار گرفته است. این به کارگیری مستلزم این است که قطعات کوتاهی را که مورد نیاز متن خود است، از پیش‌متن جدا کند و در متن خود بگنجاند. استفاده بیشتر از وام‌گیری برای حفظ اصالت پیش‌متن و حضور واقعی‌تر و چشمگیرتر آن در پیش‌متن است. که با این کار زبان طاعنان و خرده‌گیران برای انتساب نسبت انحراف و کفر نیز بسته می‌شود. در ادامه برای نمونه، چند مورد از این بینامتنی‌ها را ذکر می‌کنیم. کلمات: سعید، فطرت، شقی، آخرت و مشتقات آن‌ها به ترتیب ۱، ۹، ۱۱ و ۱۱۴ بار در قرآن ذکر شده است. «یعنی هر که از فطرت، سعید آمد در آخرت سعید باشد؛ و هر که در فطرت، شفقی آمد در آخرت شقی باشد» (تمهیدات: ۲۵۰) نمونه آیات: *يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ* هود/۱۰۵ ترجمه: روزی که چون فرارسد هیچکس جز به اذن وی سخن نگوید. آنگاه بعضی از آنان تیره بخت شدند و [برخی] نیکبخت.

* برآیند سازی

در این روش واژه یا ترکیبی، بدون آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در قرآن وجود داشته باشد، بر پایه مضمون آیه یا داستانی قرآنی ساخته می‌شود.

- بهشت خود

«چه گویی! خدای تعالی - در بهشت باشد؟! بلی در بهشت باشد، ولیکن در بهشت خود باشد» (تمهیدات: ۱۸۷). بهشت خود؛ برگرفته از آیه «وَأَدْخُلِي جَنَّتِي» در بهشت من داخل شو» الفجر/۳۰ خداوند در این آیه به بندگان خاص خود وعده بهشتی را می‌دهد که بهشت خود خداوند است.

- بهشت خواص

«همت عالی چنان باید که زن فرعون آسیه را بود که در دعایی می‌خواهد رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ این عِنْدَكَ جز بهشت خواص نباشد» (همان: ۱۸۷). بهشت خواص؛ برگرفته از آیه رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ این عِنْدَكَ: پروردگارا برای من نزد خویش در بهشت خان‌های بساز. تحریم/۱۱ در آیه به بهشت مخصوصی که نزد خداوند است اشاره می‌شود.

- قبله قالب

«ای عزیز نماز را شرایط بسیار است: از آن یکی قبله است. اگر چه قبله قالب این آمد» (همان: ۱۱۳). قبله غالب؛ برگرفته از آیه «فَلْتَوَلُّوْا لِيَكَنَّ قِبْلَتَهُ تَرْضَاهَا: اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خوشنود باشی، برمیگردانیم» (بقره/۱۴۴). آیه اشاره به تغییر قبله از بیت المقدس به سوی مکه دارد در واقع همان تغییر قبله ظاهری یا به اصطلاح قالب است.

- شراب طهور

«ای عزیز! از سورت فاتحه اگر هیچ شراب طهور نوش کردی...» (تمهیدات: ۱۲۴). شراب طهور؛ برگرفته از آیه «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا: و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند» (انسان/۲۱)

*ترجمه

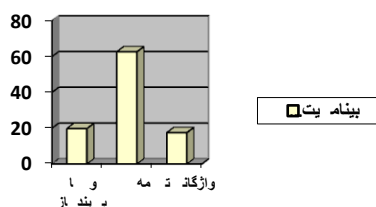
برگرداننده فارسی یا فارسی شده واژه یا ترکیب قرآنی که در متن تمهیدات به کار رفته است.

- راه خدا: سبیل الله

این ترکیب با تکرار زیاد در قرآن ذکر شده است. «ای عزیز بدان که ... راه خدا در دست» (تمهیدات/۱۳۱) با توجه به نمونه‌های بی‌شمار از نوع بینامتنیت صریح و آشکار که به صورت بینامتنیت‌های واژه‌ای با تقسیم بندی: وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی و نیز بینامتنیت‌های گزاره‌ای با تقسیم بندی: جزئی و کامل در متن تمهیدات به کار رفته، از ارائه موارد بیشتر و اطاله کلام پرهیز می‌شود.

نتایج تحقیق در این بخش نشان می‌دهد عین القضاة با توجه به نفس کار خود که استخدام آیات در راستای توضیح و تشریح و تبیین سیر و سلوک متصوفانه است، با نسبت بسیار و با اختلاف از شیوه وام‌گیری واژه‌ها و نیز بینامتنیت گزاره‌ای جزئی استفاده کرده است. همانگونه که روشن است، این نوع استفاده از آیات، ذکاوت و تسلط مؤلف بر پیش متن (قرآن) را نشان می‌دهد. همچنین با توجه به اینکه بینامتنیت این دو اثر از نوع بینافرهنگی؛ یعنی نشأت گرفته از دو زبان و فرهنگ متفاوت به حساب می‌آید، نشانه مهارت و احاطه مؤلف بر هر دو زبان است که از دو زبان با ساختار و ساختمان کاملاً متفاوت، یک متن مستحکم و متین و البته هدفمند با معانی ژرف عرفانی آفریده است.

در این نمودار هم تفاوت استفاده از بینامتنیت واژگانی وام‌گیری، برآیندسازی و ترجمه کاملاً نمایان است. از تعداد ۳۹۴ کلمه قرآنی که در کل متن به کار رفته است، تعداد ۲۴۷ کلمه؛ یعنی ۶۲/۶۹٪ درصد به صورت وام‌گیری و تعداد ۷۸ کلمه برابر با ۱۹/۷۹٪ درصد به صورت برآیندسازی و تعداد ۶۹ کلمه؛ یعنی ۱۷/۵۱٪ درصد به صورت ترجمه استفاده شده است.



۲.۲.۴. بینامتنیت ضمنی

گاهی مؤلف متن دوم قصد پنهان‌کاری و مخفی کردن بینامتنیت خود را ندارد. به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت؛ اما این عمل هیچگاه به

صورت صریح و آشکار انجام نمی‌گیرد و بیشتر به دلایل ادبی به اشارات ضمنی بسنده می‌شود. (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹). در این نوع بینامتن مؤلف متن حاضر «به تناسب محتوا، موضوع و تداعی و نبوغ هنری خود، ناخودآگاه به پشتوانه فرهنگی خویش رجوع کرده و بخشی از آن را بازآفرینی می‌کند؛ مثلاً گنجاندن عین یک نشانه قرآنی یا یک حدیث در متن شعر یا نثر، نوعی بینامتنی برون فرهنگی پدید می‌آورد. (صباغی، ۱۳۹۱، ۶۷). گونه‌های پیوند بینامتنی که مهمترین آن‌ها کنایات، اشارات و تلمیحات و... هستند، از آرایه‌های ادبی در فن بلاغت‌اند؛ بنابراین شناخت و تشخیص عناصر مشترک و نیز التذاذ هنری مخاطب در این نوع بینامتن وابسته به آگاهی و دانش قبلی اوست. لذا تشخیص بینامتنیت قرآنی بسته به آگاهی و انس خواننده با قرآن است تا بتواند رابطه بینامتنی را تشخیص دهد.

* تلمیح

تلمیح ضمنی‌ترین نوع بینامتنیت ژنت است؛ زیرا متن نخستین چنان در متن جدید عین شده است که تشخیص آن نیاز به ذکاوت فراوان دارد تا ارتباط بین دو متن را بتوان تشخیص داد. (محمدزاده، ۱۳۹۶، ۱۵۵) «از منظر بینامتنی، تلمیح در دو محور افقی و عمودی عمل می‌کند. در رابطه افقی که مشترک بین شاعر [مؤلف] و مخاطب است، این داستان‌ها به بیان دانش و معرفت‌های مشترک بین خواننده و شاعر [مؤلف] می‌پردازد و در محور عمودی هم بیانگر پیوند متن حاضر با متنهایی مثل قرآن است» (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

در ادامه به نمونه‌هایی از تلمیحات قرآنی تمهیدات پرداخته می‌شود.

- تلمیح و اشاره به «قلم الله»

«ای دوست دل‌ها منقسم است بر دو قسم، قسمی خود در مقابله قلم الله است که بر وی نوشته شده است» (تمهیدات: ۱۳). در متن فوق «قلم الله» نشان‌های قرآنی است که با مدلول خود سبب ایجاد پیوند میان نثر عین‌القضات با آیه ۴ سوره علق - الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت - شده است. در سنت‌های مذهبی غرب، خدا مولف اصالت بخش در کتاب محسوب می‌شود: کتاب مقدس و کتاب طبیعت. در سرآغاز انجیل یوحنا اشاره دارد: در آغاز کلمه بود، و کلمه نزد خدا بود، و کلمه خدا بود (یزدانجو، ۱۳۸۵: ۲۹).

- تلمیح و اشاره به رُسُلُ أُولُو الْعَرْصِ

«دریغا ابراهیم و موسی از رُسُلُ أُولُو الْعَرْصِ بودند» (تمهیدات: ۶۴). رُسُلُ أُولُو الْعَرْصِ اشاره و تلمیح دارد به آیات «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْصِ مِنَ الرُّسُلِ؛ پس [ای پیامبر] صبر کن همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند» (احقاف/۳۵) و «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى؛ از دین آنچه به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به عنوان توصیه نمودیم» (شوری/۱۳) و «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ و [یاد کن] زمانی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از همه آنان پیمانی محکم و استوار گرفتیم» (احزاب/۷). «عزم»، هم به معنای اراده و تصمیم است و هم به معنای عزیمه و شریعت و مراد از «أُولُو الْعَرْصِ»، پیامبران صاحب شریعت است. پیامبران اولوالعزم عبارتند از: ۱.

حضرت نوح ۲. حضرت ابراهیم ۳. حضرت موسی ۴. حضرت عیسی ۵. حضرت محمد که در آیه ۷ سوره احزاب و ۱۳ سوره شوری آمده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۵۳).

- تلمیح و اشاره به مکان آدم در بهشت

«زیرا که مقام آدم به بهشت آمد» (تمهیدات/ ۶۴) اشاره و تلمیح دارد به آیه «يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ؛ ای آدم تو با همسر خود در بهشت جای گزین» (بقره/ ۳۵).

در نمونه‌های فوق که ذهن عین‌القضاة فقط تأثیری غیر ملموس و ضمنی پذیرفته و عین آیه را ذکر نکرده، بهترین نوع تلمیح است.

نوع دیگر تلمیح اشاره به داستان‌های قرآنی به ویژه داستان پیامبران دارد.

- تلمیح به داستان عروج حضرت عیسی به آسمان‌ها

«و مقام عیسی چهارم آسمان ... آمد» (تمهیدات: ۶۴) اشاره به داستان عروج حضرت عیسی دارد که در قرآن به آن اشاره شده است؛ آیات مرتبط «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ مَعَنَا وَارْفَعِيكَ وَرَفَعْنَاكِ إِلَيْنِ؛ (بیاد آور) هنگامی که خداوند فرمود ای عیسی تو را از زمین بر گرفته و به سوی خود بالا می‌برم» (عمران/ ۵۵) و «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ؛ و هم از این رو که گفتند: ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم، در صورتی که او را نکشتند و نه به دار کشیدند بلکه امر بر آنان مشتبه شد» (نسا/ ۱۵۷) و «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ؛ بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد» (نساء/ ۱۵۸). این معنی؛ یعنی عروج حضرت عیسی در انجیل‌های چهارگانه در مرقس، لوقا و یوحنا نیز ذکر شده است.

- تلمیح به داستان رفتن حضرت موسی به کوه طور برای ملاقات با پروردگار

«مقام موسی در کوه طور ... آمد» (تمهیدات: ۶۴). جمله اشاره به رفتن حضرت موسی به کوه طور برای ملاقات با پروردگار و برگزیده شدن به پیامبری و دریافت شریعت دارد.

آیات مرتبط با این معنا در قرآن زیاد است مثلاً «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا؛ و از جانب راست طور او را ندا دادیم و در حالی که با وی راز گفتیم او را به خود نزدیک ساختیم» (مریم/ ۶۴).

- تلمیح به داستان اسکان و زندگی آدم و حوا در بهشت

در ذیل این داستان به شیوه‌ای ضمنی‌تر؛ داستان‌های؛ فریفته شدن آدم به وسیله شیطان و رانده شدن او از بهشت و نیز داستان رانده شدن شیطان از درگاه خداوند به ذهن متبادر می‌شود. «زیرا که مقام آدم بهشت آمد» (تمهیدات: ۶۴) اشاره به آیات؛ «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ؛ و گفتیم: ای آدم تو با همسرت در بهشت منزل گزینید» (بقره/ ۳۵ و اعراف/ ۱۹) فریفته شدن آدم به وسیله شیطان «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا؛ پس شیطان آن دو را به لغزش انداخت» (بقره/ ۳۶) و رانده شدن او از بهشت «قَالَ اهْبِطُوا؛ خدا گفت: (از بهشت) فرود آید» (اعراف/ ۲۴). این جریان در آیات ۱۹ تا ۲۷ سوره اعراف آمده و جای دیگری که قرآن به این داستان پرداخته است، آیات ۱۱۵ تا ۱۲۴ سوره طه است. نیز داستان رانده شدن شیطان از درگاه خداوند به خاطر امتناع از سجده بر انسان؛ «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر کرد، و از کافران گردید» (بقره/ ۳۴). مطلب فوق، با بیان‌های دیگری در سوره اعراف آیات ۱۱ و ۱۲، سوره اسراء آیات ۶۱ و ۶۲، سوره کهف آیه ۵۰، سوره طه آیه ۱۱۶ و سوره ص

آیات ۷۱ تا ۷۴ آمده است.

- تلمیح به داستان حضرت یوسف و علاقه شدید پدرش یعقوب به او؛ که سوره ای با نام این پیامبر نیز در قرآن آمده است

«ای دوست دانی که قصه یوسف -علیه السلام- چرا احسن القصص آمد؟ زیرا که نشان یحبهم و یحبونه دارد» (تمهیدات: ۱۸۲). آیات سوره یوسف که درباره داستان حضرت یوسف علیه السلام و علاقه شدید و بیشتر پدرش یعقوب به او، با این متن تمهیدات مرتبط است؛ اما آنچه به عنوان نشانه در اینجا ذکر شده است «احسن القصص» و «یحبهم و یحبونه» که مشخصا به سه آیه در دو سوره یوسف و مائده ارجاع می دهد:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ؛ ما با این قرآن که به تو وحی کردیم بهترین داستان را بر تو بازگو می کنیم» (یوسف/۳) و «إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ آنگاه که (برادران او) گفتند: همانا یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدرمان از ما که گروهی نیرومند هستیم محبوب ترند. همانا پدرمان (در این علاقه به آن دو) در گمراهی روشنی است» (یوسف/۸) و «يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛ خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند» (مائده/۵۴)

* مجاز

مجاز، به کار بردن لفظ یا جمله در معنی غیر اصلی خود به شرط وجود قرینه و علاقه است. این قرینه به ما می فهماند که لغت در معنی خود به کار نرفته است. علائق مجاز؛ ۱. علاقه کلیت و جزئیت که دو قسم دارد: الف) ذکر کل و اراده جز ب) ذکر جز و اراده کل (شمیسا ۱۳۷۰: ۴۰ و ۴۱).

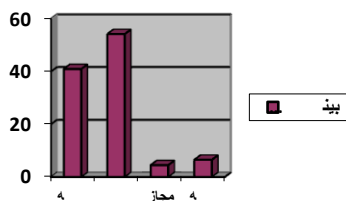
عین القضاة به روش مجاز، بینامتنیت ضمنی را نیز در تمهیدات به کار برده است.

«او از قرآن قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ شنود و نصیبش این بود» (تمهیدات/۹) ترجمه: «بگو ای کافران» (کافرون/۱)

در موارد زیادی این بینامتنی ضمنی به چشم می خورد و آیه قرآن به روش مجاز در بطن متن تمهیدات قرار گرفته است. در اینجا آیه اول از سوره کافرون را به کار برده است؛ اما منظور او از بینامتنی یک مفهوم کلی و کاملتر است؛ یعنی اگر معنای تحت اللفظی آیه را در نظر بگیریم مقصود مؤلف مغفول می ماند و معنای کل جمله فارسی و عربی با هم ناهمگون و نامفهوم است؛ اما عین القضاة می خواهد بگوید که ابوجهل نمی تواند از قرآن که نور است، هدایت دریافت کند و در درون او این استعداد وجود ندارد. بلکه با توجه به تاریکی و زنگار درونی او، نصیبش از قرآن کفر و ضلالت و گمراهی است. لذا در اینجا می توان گفت که آیه با علاقه جزء به کل به کار رفته است؛ یعنی ذکر جزئی از سوره قرآن و دریافت معنای کلی تر از آن؛ منظورش این است که تمام آنچه مورد مذمت قرآن است نصیب ابوجهل است و از نورانیت قرآن نصیبی ندارد. ارتباط و علاقه بین آیه (جز) و مفهوم بزرگتر؛ یعنی قرآن (کل) که ما را به معنای اصلی رهنمون می کند کلمه «کافرون» است که با ضلالت و گمراهی و شقاوت در ارتباط معنایی است.

در نمودار نشان داده شده، نمایانگر بیشترین استفاده از تلمیح در بینامتنیت ضمنی است. به طوری که ۵۴/۲۱%

درصد تلمیح، ۴۰/۹۶% درصد تشبیه و ۶/۵۱% درصد کنایه و ۴/۵۰% درصد به مجاز اختصاص دارد.



۳.۲.۴. بینامتنیت غیرصریح و پنهان شده

این نوع بینامتنی به حضور پنهان یک متن در متن دیگر می‌پردازد. مؤلف می‌کوشد که مرجع بینامتنی خود را پنهان کند و این پنهان کاری به دلیل ضرورت ادبی نیست، بلکه دلایل فرا ادبی دارد. سرقت ادبی هنری یکی از مهمترین انواع بینامتنیت غیرصریح است (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۸۸ و ۸۷). اگر از این نگاه به بینامتنیت تمهیدات و قرآن توجه شود، با توجه به اشتها و برجستگی قرآن کریم از جنبه‌های مختلف علمی، زبانی، محتوایی، بیانی و ... در بین مسلمانان و خصوصاً نویسندگان آن‌ها، بررسی این نوع از بینامتنیت برای قرآن کریم موضوعیت ندارد؛ اما معتقدیم که در بسیاری از موارد و بر اساس سابقه ذهنی و قدرت تداعی، مطالب و مفاهیم از دیگر نویسندگان می‌تواند در ضمیر ناخودآگاه انسان قرار گیرد و به صورت طبیعی در متن او ساری و جاری شود، بدون اینکه قصد سوئی داشته باشد، مگر اینکه بتوان به سرقت ادبی یک مؤلف یقین پیدا کرد.

۵. نتیجه‌گیری

بینامتنیت ژرار ژنت به بررسی حضور واقعی یک متن در متن دیگر می‌پردازد که در سه نوع کلی؛ بینامتنیت صریح و لفظی با نقل قول با ارجاع و بی‌ارجاع، بینامتنیت ضمنی و بینامتنیت غیرصریح و پنهان شده قابل بررسی است. با توجه به این که جسم و جان و روح و روان عین القضاة با قرآن عجین است، این کتاب خارق‌العاده و آسمانی به صورت گسترده‌ای در متن تمهیدات بازتاب دارد. در این پژوهش بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت به بررسی ارتباط قرآن و تمهیدات پرداخته شد که با بررسی متن کتاب و با توجه به سؤال و فرضیات تحقیق مشخص شد که دو نوع بینامتنیت صریح و ضمنی در تمهیدات به وفور دیده می‌شود. از میان بینامتنیت‌های صریح و لفظی بیشترین بهره‌نویسنده از بینامتنیت واژگانی از نوع وام‌گیری و نیز از بینامتنیت گزاره‌ای از نوع اقتباس جزئی از آیات قرآن است. بنابراین فرضیه اول در استفاده تزئینی از قرآن جز در موارد بسیار محدود رد و فرضیه دوم در استفاده بیشتر از بینامتنیت اقتباس جزئی و وام‌گیری واژگانی اثبات می‌شود.

بینامتنیت ضمنی نیز در قالب تلمیح و مجاز و اشاره به شکلی بسیار زیبا و دلنشین در متن راه یافته است و گفت‌وگویی بسیار پر مغز و نغز بین متن و بینامتنی صورت گرفته است که جان و دل مخاطب را جذب می‌کند و بر دل می‌نشیند و اقناع درونی را که به قول محمدرضا شفیعی کدکنی از خصوصیات متون عرفانی است، ایجاد می‌کند. این نوع سیر و حرکت در استفاده جزئی از آیات قرآن نشان می‌دهد که با توجه به نوع ادبی عارفانه و صوفیانه تمهیدات، عین القضاة به دنبال استخدام آیات در جهت تبیین و تشریح مفاهیم و مدلول‌های خود در حوزه ادبیات عرفانی است. او که معتقد است قرآن همین الفاظ و عبارات ساده نیست، بلکه در هر کلمه این کتاب، جهانی عظیم از معنا نشسته و در هر حرفش هزاران غمزه جان ربا تعبیه است، می‌کوشد برای بیان و شور و حال و تفهیم عالم کشف و برهان خود که

در محدوده ادراک گنجایی ندارد، از این کتاب ژرف، دریای معانی استمداد کند و بهره ببرد. همان گونه که می دانیم حل و تحلیل یک متن با زبانی متفاوت و آن هم به صورت جزئی در متن دیگر با زبانی دیگر و در فرهنگ دیگر، بسیار سخت تر است و اگر از منظر معانی، متن جدید بر کرسی رفعت بنشیند، این کار شگفت انگیز خواهد بود. چیزی که عین القضاة به این محال عینیت بخشیده و در تمهیدات به ظهور رسانده است؛ زیرا که تمهیدات از منظر بزرگان ادب هم از نظر ساخت و هم معنی بر صدر نشسته و قدر دیده است.

۶. منابع

- قرآن کریم

۱. آلن، گراهام. (۱۳۸۵). بینامتنیت. ویراست دوم. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز
۲. احمدی، بابک. (۱۳۸۷). ساختار و تأویل متن. چاپ دوازدهم.
۳. برتلس، یوگنی ادواردویچ. (۱۳۸۲). تصوف و ادبیات تصوف. چاپ سوم. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: امیرکبیر
۴. پورجوادی، نصراله. (۱۳۶۳). عین القضاة و امام محمد غزالی. معارف، شماره ۳، ص ۳۶-۳۳
۵. پورجوادی، نصراله. (۱۳۸۴). عین القضاة و استادان او. چاپ دوم. تهران: اساطیر
۶. حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۴). تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: اساتید
۷. خدابخشی، الهام. و دیگران. بینامتنیت قرآنی در طرب المجالس براساس نظریه ژرار ژنت. فصلنامه علمی پژوهش های ادبی - قرآنی، سال هفتم، شماره دوم (تابستان ۱۳۹۸)، صص ۱۳۷ - ۱۱۹
۸. راستگو، محمد. (۱۳۸۰). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت
۹. راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۰). پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی. مشهد: آستان قدس رضوی
۱۰. رحمتی، جمیله. (۱۳۹۱). دفتری در شور و دانایی (نگاهی گذرا بر تمهیدات عین القضاة). مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۷۸، صص ۳۰ - ۲۵
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). زبان شعر در نثر صوفیه (درآمدی به سبک شناسی نگاه عرفانی). تهران: انتشارات سخن
۱۲. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). بیان. تهران: فردوس
۱۳. صباغی، علی. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی محورهای سه گانه بینامتنیت ژنت و بخش هایی از نظریه بلاغت اسلامی. فصلنامه پژوهش های ادبی، سال ۹، شماره ۳۸، صص ۷۰ - ۵۹
۱۴. عباسی، جلال. و محمد آهی. (۱۳۹۷). تحلیل روابط بینامتنی قرآن و غزل های صائب براساس نظریه ژنت. پژوهش های ادبی - قرآنی، سال ششم، شماره سوم، ۱۵۳-۱۲۳
۱۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. چاپ یازدهم. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن
۱۶. لویزان، لئونارد. (۱۳۸۴). میراث تصوف. ج ۱. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: نشر مرکز
۱۷. مجتبی، مهدی. (۱۳۸۸). از معنا تا صورت؛ طبقه بندی و تحلیل ریشه ها، زمینه ها، جریان ها، رویکردها، اندیشه ها و آثار مهم نقد ادبی در ایران و ادبیات فارسی. ج ۲. تهران: سخن

۱۸. محمدزاده، فرشته. (۱۳۹۶). تحلیل بینامتنی شاهنامه و نوشته های تاریخی از سده پنجم تا میانه سده هشتم هجری بر مبنای ترامتنیت ژرار ژنت، دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد
۱۹. مختاری، مسروره. (۱۳۹۵). معرفت در سوانح العشاق و لمعات. پژوهش های ادبی عرفانی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۳۱، ص ۹۱-۱۲۰
۲۰. نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن ها. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۶، ص ۹۸-۸۳
۲۱. نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت. تهران: سخن
۲۲. نوپا، پل. (۱۳۷۳). تفسیر قرآن و زبان عرفانی. ترجمه اسماعیل سعادت. چاپ اول، تهران: نشر دانشگاهی
۲۳. همدانی، عین القضاة. (۱۳۴۱). تمهیدات. مقدمه، تصحیح، تحشیه و تعلیق، عقیف عسیران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۲۴. یلمه ها، احمدرضا. و مسلم رجبی. (۱۳۹۶). تجلی آیات الهی در اشعار سنایی بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت. پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۷-۵۷

